

بررسی نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش

قابلیت‌های عمومی کارآفرینی دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی

پریسانوری^{۱*}، محبوب‌عارفی^۲، فروز اعلایی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی است. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی و به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظر استادان متخصص در این حوزه تأیید شد و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کراباخ ۰/۸۷ تأیید شد. جامعه آماری پژوهش، تمامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی بودند که از میان آنان ۲۲۰ نفر از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که نقش برنامه درسی تربیت بدنی در دو مؤلفه "قابلیت‌های فردی و فنی کارآفرینی" به طور مطلوب و در مؤلفه پرورش "قابلیت‌های مدیریتی" به نسبت دو مؤلفه "فردی و فنی" کارآفرینی چندان مطلوب عمل نکرده است و نقش برنامه درسی روان‌شناسی در مؤلفه "قابلیت‌های مدیریتی کارآفرینی" به طور مطلوب و در دو مؤلفه "فردی و فنی" به طور مطلوب عمل نکرده است و در بین دیگر رشته‌ها تفاوت چندانی در مطلوبیت نقش برنامه درسی در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی که شامل "قابلیت‌های فردی، مدیریتی و فنی" می‌شود، مشاهده نشده است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

نوع مقاله: پژوهشی

واژگان کلیدی

برنامه درسی، رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری، قابلیت‌های عمومی کارآفرینی، دانشگاه شهید بهشتی

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ✉

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

با افزایش رقابت در دنیای امروز و تشدید فعالیت‌های اقتصادی در سطح جوامع و حرکت به سوی اقتصاد دانش‌بنیان^۱، برخیبر این باورند که بازارهای جهانی فردا از آن سازمان‌هایی است که به خطرپذیری کارآفرینانه^۲ بها می‌دهند و برای تحقق آن می‌کوشند. از سویی تجربه موفقیت‌آمیز بیشتر کشورهای پیشرفته و نیز برخی از کشورهای درحال توسعه، در عبور از بحران‌های اقتصادی به‌واسطه توسعه مهارت‌های کارآفرینی موجب شده تا دیگر کشورها نیز برای شکل‌گیری کسب‌وکارهای نوآورانه و رویکرد کارآفرینی اهمیت خاصی قائل شوند. به‌عبارتی کارآفرینی و کسب‌وکارهای فناورانه نوپا دارای نقش کلیدی در روند رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشورها داراست (نادری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹). در چند دهه اخیر به دلیل تحولات سریع اقتصادی، صنعتی و فرهنگی و نیاز کشور به تقویت ساختارهای دانش‌محور و تولید ثروت از راه دانش، روی آوردن به رویکرد کارآفرینی و تربیت و آموزش دانش‌آموختگانی که دارای مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار مناسب باشند، از وظایف اصلی هر دانشگاه محسوب می‌شود. کارآفرینی و کارآفرینان سهم بسزایی در توسعه اقتصادی کشور دارند (محسنی، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

کارآفرینی، فرایندی از توسعه و آوردن یک نگاه جدید به زندگی است، نگاهی که ممکن است یک ایده خلاقانه، یک فرصت ساده، روش‌های بهتری برای انجام کاری باشد. کارآفرین کسی است که ریسک کردن، به اجرا درآوردن و مدیریت کردن مالکیت یک کار و فعالیت اقتصادی را می‌پذیرد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳). کارآفرینی به‌عنوان فرایندی پویا برای ایجاد ارزش افزوده دنیای اقتصاد و صنعت را متحول ساخته است (فیونتلز و همکاران^۳، ۲۰۱۸: ۱). این پدیده فنی و اقتصادی به دلیل سوق دادن جامعه به سمت ایجاد محیط رقابتی، تبدیل دانش جدید به خدمات و محصولات جدید، گسترش خلاقیت و نوآوری، رشد اقتصادی و ایجاد فعالیت‌های اشتغال‌زا حائز اهمیت بسیار است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹۱). کارآفرینی ترکیبی از عناصر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در یک منطقه است که از گسترش سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر خلاقیت و نوآوری حمایت می‌کنند (کانینگهام و همکاران^۴، ۲۰۱۹: ۵۴۵).

دانشگاه‌ها باید با چالش‌های جدیدی مواجه شوند تا به انتظارات رو به رشد کارآفرینی پاسخ دهند؛ چالش‌هایی که از طریق تعامل بین آموزش، پژوهش و کارآفرینی انجام می‌گیرد (لانیکاهین و همکاران^۵، ۲۰۱۹: ۹۶) پس دانشگاه‌ها دیگر جزایر مستقل دانش محسوب نمی‌شوند و حتی

1. Knowledge-based Economy
2. Entrepreneurial Risk
3. Fuentelsaz, González & Maicas
4. Cunningham, Menter & Wirsching
5. Lahikainen, Kolhinen, Ruskovaara & Pihkala

به‌عنوان یک نیروی مهم در توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی، منبع درآمد و رفاه مطرح می‌گردند که پشتیبانی از توسعه اقتصادی ملی و منطقه‌ای را بر عهده دارند. بر این اساس مأموریت دانشگاه‌ها در بستر زمان، همگام با تحولات و دگرگونی‌های جهانی و به‌منظور هدف پاسخگویی با نیازهای اقتضایی جوامع، دچار تحول شده و به سوی مشارکت در ابر انگاره کارآفرینی در حال حرکت است (رضایی و پژوهان، ۱۳۹۸: ۵۱). لذا از آنجایی که برای تحقق اقتصاد مقاومتی آمادگی نهادهای اقتصادی و تعامل و همکاری میان دولت و مردم برای تحقق این اهداف ضروری است، به جرئت می‌توان گفت که برای رسیدن به توسعه ضرورت و اهمیت تحقیق پایدار و مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی و همچنین پیاده کردن اقتصاد مقاومتی، تحقق دانشگاه کارآفرین امری اجتناب‌ناپذیر است.

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانشگاه‌ها می‌توان به عوامل ساختاری رسمی و غیررسمی و عوامل داخلی اشاره نمود. عوامل ساختار رسمی شامل پیوند دانشگاه و صنعت؛ قوانین مالکیت معنوی و ساختار آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه؛ ساختار و مدیریت دانشگاه؛ سیاست‌گذاری دولتی و قوانین و مقررات، مهارت‌های آموزش کارآفرینی و کسب‌وکار می‌باشند. چهار عامل مهم سازمانی غیررسمی مؤثر بر کارآفرینی دانشگاه‌ها نیز شیوه اجرای قوانین و مقررات حاکم بر فرایند کارآفرینی؛ جوانب سیاسی و فرهنگی؛ الگوهای نقش‌ها و نظام پاداش دهی دانشگاه‌ها و طرز نگرش دانشگاهیان نسبت به فرایند کارآفرینی می‌باشد (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶۵).

در زیرساختار سازمانی دانشگاه کارآفرین، تغییرات داخلی از جمله اصلاحات در قوانین و مقررات محیط دانشگاه، شفاف‌سازی اهداف دانشگاه در رویکرد کارآفرینی، تغییر شیوه‌های اجرایی مدیریت، آموزش به استادان در راستای اهمیت دادن به کارآفرینی و تغییر طرز فکر و نگرش آنها نسبت به فرایند کارآفرینی، به‌عنوان عاملی مؤثر در حوزه فرایند کارآفرینی ضروری می‌باشد. تحقیقات صورت‌گرفته، مهارت‌های کارآفرینی در محیط دانشگاه‌ها را برای انجام پروژه‌های مشارکتی با استفاده از راهبردهای کسب‌وکار و تقویت مهارت‌های کارآفرینی در فراگیران را امری لازم و ضروری بیان نموده‌اند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). برای رشد و توسعه کارآفرینی دانشگاهی، نیازمند مهارت‌های نسبی کارآفرینی، یادگیری مهارت‌هایی فارغ از دانش تئوری کلاس درس، ظرفیت‌های سازمانی، حل مسئله و کار گروهی می‌باشد که باعث تقویت شخصیت فراگیران می‌شود (ولپه^۱، ۲۰۱۸: ۲۲). در دانشگاه کارآفرین برای رشد و توسعه زیرساخت‌های مالی، می‌توان به انجام پروژه‌های متعدد، اصلاح قوانین و مقررات مالی، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، قرارداد با سازمان‌های دولتی، تأمین بودجه مالی تحقیق، توسعه و رشد دانشگاه‌ها از جمله

عوامل مؤثر در کارآفرینی دانشگاهی اشاره نمود (هایتر و همکاران^۱، ۲۰۱۸: ۴۰) و (بیلی، ۲۰۱۷: ۲).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانشگاهی، پیدایش فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های کارآفرینانه در دانشگاه بیان شده است (هایتر و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۹؛ بیلچ^۲ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱). ارزش کارآفرینی، برگزاری برنامه‌های فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه‌ها، تغییر طرز فکر و نگرش افراد نسبت به فرایند کارآفرینی را می‌توان از جمله اقدامات فرهنگ‌سازی برشمرد. دانشگاه‌ها باید نتایج اقدامات کارآفرینی را مشخص نمایند تا فراگیران با اطمینان خاطر بتوانند مهارت‌های بیشتری در زمینه مهارت‌های کارآفرینی تجربه نمایند و در آینده از اندوخته‌های علمی خود بهره‌ای لازم را کسب نمایند (هج و همکاران^۳، ۲۰۱۶: ۱۱۷).

بنابراین، ماهیت پیدایش یک استارت‌آپ در دانشگاه تحت تأثیر فرایند کارآفرینان دانشگاهی آن است، زیرا امکان دارد در راستای دستیابی به اهداف و چشم‌انداز خود، در مسیری قرار گیرد که با راهبردهای مدیریت دانشگاه متفاوت باشد. در صورتی که اگر یک دانشگاه عملکرد مطلوبی دارا باشد، می‌تواند دیدگاه‌های دانشکده‌ها و رشته‌های مختلف آنها را نسبت به فرایند کارآفرینی تغییر بدهد (کلوفستن و همکاران^۴، ۲۰۱۹: ص ۱۵۳). از نظر فیچر و تیمن^۵ (۲۰۱۸) چهار حوزه بر پیدایش کارآفرینی دانشگاه‌ها عبارت‌اند از: الف) چهارچوب محیطی که شامل عوامل بالقوه‌ای مانند دانشگاه ملی، خط‌مشی یا نوآوری کارآفرینی، راهبردهای توسعه منطقه‌ای؛ ب) چهارچوب زیربنایی دانشگاه‌ها که متشکل از فرهنگ دانشگاهی، استراتژی‌ها و سازوکارها؛ ج) اعضای دانشگاه‌ها (دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی) به‌عنوان فعالان حوزه‌های متعدد دانشگاهی؛ د) تعاملات بیرونی بین اعضای دانشگاه و فعالان بیرونی مانند شرکت‌ها، سازمان‌های توسعه‌ای کسب‌وکار یا حامیان، سازمان‌های تحقیقاتی.

با توجه به اینکه افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان کارآفرین برای موفقیت آتی کشور لازم است، بنابراین دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات آموزشی باید با شیوه‌های مناسب، دانشجویان را در محیط‌هایی قرار دهند که موجب رشد و پرورش ذهنیت کارآفرینانه در آنها شود (رحیم و همکاران، ۲۰۱۶: ص ۱۲۲). در نتیجه رسالت‌های دانشگاه در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، آموزش و پرورش نیروی انسانی کارآمد، خلاق و نوآور بیان شده است و با اقداماتی مانند تشکیل و راه‌اندازی دوره‌های آموزش کارآفرینی و اختصاص دروس خاص کارآفرینی در رشته‌های مختلف

-
1. Hayter, Nelson & Zayed
 2. Bilić
 3. Hj, Rahim & Usman
 4. Klofsten, Fayolle, Guerrero, Maribel, Mian, Urbano & Wright
 5. Fichter & Tiemann

تحصیلی می‌توانند نقش خود را به نحو مطلوب انجام دهند و کارآفرینی به‌عنوان یک الزام و رویکرد جدید اقتصادی در پاسخ به واقعیت‌ها و شرایط جدید محیطی و یکی از راهکارهای ارزشمند در مقابله با ناکارآمدی‌های اقتصادی و جلوگیری از پدیده‌های منفی اقتصادی مانند بیکاری و عدم اشتغال، عامل مهمی در راه توسعه اقتصادی می‌باشد (کریستی^۱، ۲۰۱۸، ص ۲۲۳).

از سوی دیگر، شرایط در کشورمان به‌گونه‌ای نیست که بتوان آن را در قالب موقعیتی عادی توصیف کرد و به همین دلیل مدیریت اقتصاد کشور، در شرایط تهدید و تحریم، نیازمند به تمهیداتی است که پویا و کارآمد عمل کند و با هرگونه وابستگی مقابله نماید و به خود متکی باشد. در جامعه کارآفرین ریسک‌پذیری بالاست و درعین حال امری طبیعی است و به دلیل برخورداری جامعه کارآفرین از آستانه تحمل بالا، آمادگی پذیرش اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم و تهدید را دارد. با تشریح شرایط کنونی و وجود تحریم‌های چندجانبه، همچنین فعالیت در عرصه اقتصاد جهانی، کشور نیازمند به توانمندی‌های نوآوری و تکنولوژیکی برای بالا بردن رقابت‌پذیری است که این امر شامل اعمال بهترین الگوهای مدیریتی در بنگاه‌ها و توسعه سطوح مهارتی در طیف وسیعی از نیروی کار، توانایی برای توسعه محصولات جدید، به‌کارگیری تکنولوژی جدید، دسترسی به بازارها می‌باشد که بیشتر از هر چیز دیگری حیطه آموزش را در برمی‌گیرد و تغییرات وسیعی را در اهداف، راهبردها، موضوعات و روش‌های آموزشی به وجود می‌آورد و این دانشگاه‌ها هستند که در تمام موارد می‌توانند ایفای نقش کنند (ضیاء و همکاران، ۱۳۹۸: ۲).

در پژوهش جمالی‌زواره، نیلی و شادفر (۱۳۹۴) با عنوان تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نتایج یافته‌ها بیانگر این بود که به باور صاحب‌نظران، کارآفرینی فرایندی قابل آموزش است و باید در برنامه درسی دانش‌آموزان به‌خصوص دوره‌های فنی و حرفه‌ای گنجانده شود. همچنین نتایج پژوهش آقامحمدی و عبدالهی (۱۳۹۴) با عنوان تحلیل نقش آموزش در توسعه و ترویج کارآفرینی بیانگر این است که آموزش نقش انکارناپذیری در توسعه و رشد کارآفرینی دارد و توجه به تقویت نظام آموزشی در این زمینه گامی مهم و اساسی به شمار می‌آید.

در پژوهشی ارتس^۲ و همکاران (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که در ارتباط با کارآفرینی و اشتغال‌پذیری در آموزش عالی باید تأکید بر قابلیت‌هایی مانند برنامه‌ریزی، مهارت‌های ارتباطی و کارگروهی باشد. نتایج پژوهش بودنار^۳ و همکارانش (۲۰۱۵) نشان داد که طراحی برنامه درسی کارآفرینی می‌تواند در پرورش ویژگی‌هایی از جمله "پرورش قدرت تفکر انتقادی" ایجاد انگیزه

1. Crecente
2. Artes at all
3. Bodnar

"تولید ایده‌های نو و خلاقانه" نقش مؤثری ایفا کند. نتایج پژوهش راجرز^۱ (۲۰۱۵) نشان داد که برنامه درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های فردی کارآفرینی چون ریسک‌پذیری، خلاقیت و نوآوری به‌طور موفقیت‌آمیزی عمل نکرده است.

نتایج پژوهش هایدل و همکاران^۲ (۲۰۱۶) نشان دهنده این است که طراحی برنامه درسی در زمینه پرورش قابلیت‌های فردی کارآفرینی از جمله "خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری و استقلال‌طلبی نقش مؤثری را ایفا نکرده است.

نتایج پژوهش رحیم و همکاران^۳ (۲۰۱۶)، نشان داد که برنامه‌های درسی در ارتباط با پرورش قابلیت‌های فردی کارآفرینی چون "خطرپذیری، استقلال‌طلبی و نوآوری به‌طوری مؤثری عمل نکردند که این امر یکی از عوامل مؤثر در پرورش افراد کارآفرین است. پژوهش کوشوا و مارو^۴ (۲۰۱۸) نشان داد که در ارتباط با توسعه قابلیت‌های مدیریتی کارآفرینی برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی در زمینه کارآفرینی، راه‌اندازی مراکز کسب‌وکار، آموزش و توسعه کارآفرینی می‌تواند نقش مهمی داشته باشد.

در پژوهشی ولپ^۵ (۲۰۱۸) به این امر اشاره کرد که برنامه درسی در پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی از جمله حل مسئله، کار تیمی و مهارت‌های فناوری به‌طوری موفقیت‌آمیز عمل نکرده است. همچنین در تحقیقی دیگر هایتر و همکاران^۶ (۲۰۱۸) به این یافته‌ها رسیدند که در ارتباط با نقش برنامه درسی در پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی از جمله تأمین منابع مالی و کار با فناوری به نتایج مؤثری دست پیدا نکرده‌اند. در پژوهش‌هایی که گالواو و همکاران^۷ (۲۰۱۷) و آنتون و باستن^۸ (۲۰۱۷) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های درسی ارتباط با پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی مانند تأمین منابع مالی و کاربرد فناوری به‌طور مؤثری نقش ایفا نکردند که این امر نیازمند توجه بیشتر است.

از آنجاکه امروزه به دلیل نبودن زمینه‌ها و بسترهای لازم برای جذب و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و ناتوانی آنها در خلق فرصت‌ها و ایجاد زمینه کار برای خویش، مشکل کاریابی و کارآفرینی به مسئله مهمی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تبدیل شده و می‌تواند به شکل‌گیری بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی متعددی بشود که بررسی بیشتری را می‌طلبد. یکی از راهکارهای مناسب و مطمئن برای حل این مسئله، توانمند کردن آنها به مهارت کارآفرینی در طول تحصیلات

1. Rogers
2. Hyde & et al
3. Rahim et al
4. Kushwaha & Maru.
5. Volpe
6. Hayter et al
7. Galvão
8. Anton and Basten

دانشگاهی است که این توانایی می‌تواند جلوی به وجود آمدن بسیاری از چالش‌ها و مسائل را بگیرد، اما به دلیل وجود برخی مسائل و آسیب‌ها در برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، دانشجویان مهارت‌های لازم را در این زمینه کسب نمی‌کنند. با توجه به موارد گفته شده، ضرورت انجام این تحقیق بیش از پیش روشن تر و بااهمیت تر است و تحقیقات محدودی در ارتباط با تعیین نقش برنامه‌های درسی در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی صورت گرفته است. در این پژوهش، منظور از برنامه‌های درسی، مفاهیم و موضوعاتی است که در کلاس‌های درسی دانشجویان علوم اجتماعی و رفتاری تدریس می‌شود و دانشجویان در طول ترم موظف به از برکردن آن مطالب هستند. همچنین منظور از قابلیت‌های کارآفرینی، مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینی است که هیستریج و پیترز (۱۳۹۰) آنها را در سه بعد فردی، مدیریتی و فنی قرار داده است؛ بنابراین، هدف اصلی و نهایی پژوهش در پی یافتن پاسخی به این پرسش اصلی است که برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری تا چه میزان به پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی می‌پردازند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، تمام دانشجویان کارشناسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری ورودی سال ۱۳۹۳ دانشگاه شهید بهشتی بودند که بر اساس گزارش آموزش آخرین آمار تعداد آنها ۳۶۸ نفر است و برای نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شده است و در این مطالعه ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. پرسشنامه مورد نظر شامل دو بخش بود: الف) ویژگی جمعیت‌شناختی دانشجویان بر اساس نوع رشته تحصیلی ب) سؤالات مربوط به بررسی نقش برنامه‌های درسی در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی در سه مؤلفه مهارت‌های "فردی، مدیریتی و فنی" که این بخش شامل ۲۶ سؤال است که ۱۳ سؤال مربوط به قابلیت‌های فردی، ۵ سؤال مربوط به قابلیت‌های مدیریتی و ۸ سؤال مربوط به قابلیت‌های فنی است که به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. همچنین این پرسشنامه مطابق با مقیاس درجه‌بندی لیکرت تنظیم شده است. در جدول شماره ۱، زیرمجموعه‌های سه مؤلفه "مهارت‌های فردی، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های فنی" آمده است.

جدول ۱: انواع مهارت‌های موردنیاز در کارآفرینی (هیستریچ، پیترز، ۱۳۹۰).

مهارت‌های فردی	مهارت‌های مدیریتی	مهارت‌های فنی
۱- کنترل درونی	۱- برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری	۱- روابط اجتماعی
۲- ریسک‌پذیری	۲- تصمیم‌گیری	۲- توانایی سازمان‌دهی
۳- نوآوری	۳- مدیریت	۳- شبکه‌سازی
۴- رهبری آینده‌نگر	۴- بازاریابی	۴- فناوری
	۵- کنترل	

روایی صوری و محتوایی پرسشنامه نیز با استفاده از نظر ۵ نفر استادان متخصص در این حوزه تأیید شد و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرانباخ ۰/۸۷ با درجه اعتبار بالا تأیید شد. در پایان به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از آزمون‌های کلموگروف اسمیرنف، تی تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) و آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی شامل دو مؤلفه جنسیت و رشته تحصیلی در نمونه مورد پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که در متغیر جنسیت افراد با جنسیت زن در حدود ۵۴ درصد و مردان نیز با ۴۶ درصد بودند. در متغیر رشته تحصیلی نیز ۱۰/۵ درصد از افراد نمونه از رشته تربیت بدنی، ۱۵/۵ درصد از رشته تحصیلی روان‌شناسی، ۳۱/۲ درصد از رشته‌های علوم اقتصادی، ۷/۳ درصد از رشته‌های علوم سیاسی و ۳۵/۵ درصد از رشته مدیریت بودند. همچنین پیش از ارائه نتایج آزمون‌های پارامتریک از جمله رعایت پیش‌فرض نرمال بودن، توزیع داده‌ها الزامی است. برای بررسی نرمال بودن نمرات از آزمون کولموگراف-اسمیرنف استفاده شد و نتایج نشان داد (جدول ۲) چون مقادیر به دست آمده برای این آزمون در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست، بنابراین شرط توزیع نرمال بودن داده‌ها برقرار است و می‌توان از آزمون پارامتریک برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده نمود.

جدول ۲: نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنف در بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

وضعیت	کلموگروف اسمیرنف			گروه
	sig	df	F	
نرمال	۰/۳۳	۲۲۰	۰/۹۴	قابلیت‌های فردی
نرمال	۰/۰۸	۲۲۰	۱/۲۶	قابلیت‌های مدیریتی
نرمال	۰/۰۸	۲۲۰	۱/۲۵	قابلیت‌های فنی
نرمال	۰/۰۶	۲۲۰	۱/۵۴	کل

برای بررسی سؤال اصلی پژوهش یعنی «برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری تا چه میزان به پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی می‌پردازند؟» از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد که نتایج طبق جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: بررسی وضعیت میزان نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی

میانگین فرضی = ۳						متغیر
شاخص آزمون تی			انحراف	میانگین	تعداد	
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	استاندارد	تجربی		
۰/۰۰۱	۲۱۹	-۱۳/۹۸	۰/۴۸	۲/۵۴	۲۲۰	قابلیت‌های فردی
۰/۰۰۱	۲۱۹	۶/۳۵	۰/۶۶	۳/۲۸	۲۲۰	قابلیت‌های مدیریتی
۰/۰۰۱	۲۱۹	-۱۲/۵۸	۰/۵۷	۲/۵۱	۲۲۰	قابلیت‌های فنی

در جدول (۳)، به منظور قضاوت در مورد وضعیت میزان نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی از آزمون t تک نمونه استفاده شده است. بر اساس داده‌های فوق میانگین امتیاز تخصیص داده شده از سوی افراد نمونه به نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های فردی کارآفرینی برابر ۲/۵۴، نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی برابر با ۲/۵۱ و میزان نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی برابر است با ۲/۷۷ است. از آنجا که این میانگین از میانگین نظری (نمره متوسط مقیاس که برابر با ۳ می‌باشد) کمتر است، می‌توان اظهار داشت که از نگاه اعضای نمونه، امتیاز مقوله مورد بررسی کمتر از متوسط است. همچنین با در نظر گرفتن مقدار t و $p = ۰/۰۰۱$ می‌توان اظهار داشت که با ۹۹ درصد اطمینان این نتیجه معنی‌دار و قابل تعمیم به جامعه می‌باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان توجه برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری به پرورش قابلیت‌های فردی، فنی و عمومی کارآفرینی در حد پایین ارزیابی می‌شود.

همچنین بر اساس داده‌های فوق میانگین امتیاز تخصیص داده شده از سوی افراد نمونه به نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های مدیریتی کارآفرینی برابر ۳/۲۸ است. از آنجا که این میانگین از میانگین نظری (نمره متوسط مقیاس که برابر با ۳ می‌باشد) بیشتر است، می‌توان اظهار داشت که از نگاه اعضای نمونه امتیاز مقوله مورد

بررسی بیشتر از متوسط است. همچنین با در نظر گرفتن مقدار t و $p = 0/001$ می‌توان اظهار داشت که با ۹۹ درصد اطمینان این نتیجه معنی‌دار و قابل تعمیم به جامعه می‌باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان توجه برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری به پرورش قابلیت‌های مدیریتی در حد پایین ارزیابی می‌شود.

برای بررسی سؤال دوم پژوهش «آیا تفاوت معناداری بین نظرات افراد نمونه در زمینه بررسی نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی به تفکیک ویژگی جمعیت شناختی آنها (رشته تحصیلی) تفاوت وجود دارد؟» از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شد و نتایج طبق جدول‌های ۴ و ۵ و ۶ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) در دو گروه

مورد مطالعه						
نام آزمون	مقدار	آماره F	درجات آزادی فرضیه	درجات آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر پیلایی	۰/۴۲۱	۸/۷۷	۱۲	۶۴۵	۰/۰۰۱	۰/۱۴۰
لامبدا ویلکز	۰/۶۱۶	۹/۴۴	۱۲	۵۶۳/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۱۴۹
اثر هتلینگ	۰/۵۶۴	۹/۹۵	۱۲	۶۳۵	۰/۰۰۱	۰/۱۵۸
بزرگترین ریشه خطا	۰/۴۳۰	۲۳/۰۹	۴	۲۱۵	۰/۰۰۱	۰/۳۰۰

نتایج جدول (۴)، نشان می‌دهد که سطوح معناداری همه آزمون‌ها قابلیت استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) را مجاز می‌شمارد. یافته‌های این نتایج نشان می‌دهند که در گروه‌های مورد مطالعه از نظر حداقل یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. مجذور اتا نشان می‌دهد تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت ۱۴/۹ درصد است؛ یعنی تقریباً ۱۵ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین دو گروه ناشی از تأثیر متقابل متغیرهای وابسته می‌باشد.

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره در مورد مقایسه نظرات افراد

نمونه در زمینه بررسی نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی به تفکیک رشته تحصیلی

شاخص / منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
قابلیت‌های فردی	۵/۸۱	۴	۱/۴۵	۶/۸۲	۰/۰۰۱

۰/۰۰۹	۳/۴۸	۱/۴۸	۴	۵/۹۱	قابلیت‌های مدیریتی	اثر گروه
۰/۰۰۱	۱۸/۷۰	۴/۶۴	۴	۱۸/۵۹	قابلیت‌های فنی	
۰/۰۰۱	۷/۵۶	۱/۴۹	۴	۵/۹۶	کل	
		۰/۲۱۳	۲۱۵	۴۵/۸۰	قابلیت‌های فردی	
		۰/۴۲۴	۲۱۵	۹۱/۲۴	قابلیت‌های مدیریتی	
		۰/۲۴۹	۲۱۵	۵۳/۴۳	خطا قابلیت‌های فنی	
		۰/۱۹۷	۲۱۵	۴۲/۴۱	کل	

بر اساس نتایج جدول (۵) چون مقدار F در متغیر قابلیت‌های فردی ($P = ۰/۰۰۱$) $P = ۶/۸۲$ = $F_{(۲۱۵, ۴)}$ ، قابلیت‌های مدیریتی ($P = ۰/۰۰۹$) $P = ۳/۴۸$ = $F_{(۲۱۵, ۴)}$ ، قابلیت‌های فنی ($P = ۰/۰۰۱$) $P = ۱۸/۷۰$ = $F_{(۲۱۵, ۴)}$ و نمره کل قابلیت‌های عمومی کارآفرینی ($P = ۰/۰۰۱$) $P = ۷/۵۵$ = $F_{(۲۱۵, ۴)}$ در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین نظرات افراد نمونه در زمینه بررسی نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی به تفکیک رشته تحصیلی آنها وجود دارد.

مقایسه میانگین گروه‌ها بر اساس نتایج آزمون تعقیبی شفه (طبق جدول ۶) نشان می‌دهد که میانگین نمرات نظرات افراد نمونه در قابلیت‌های فردی و فنی، در رشته تربیت بدنی بیشتر از دیگر رشته‌ها و در قابلیت‌های مدیریتی میانگین نظرات رشته روان‌شناسی از دیگر رشته‌ها بیشتر است و بین دیگر رشته‌ها نیز تفاوت معناداری وجود نداشت.

جدول ۶: خلاصه نتایج آزمون تعقیبی شفه در مورد مقایسه متغیرها به تفکیک رشته

تحصیلی پاسخگویان

تفاوت میانگین قابلیت‌ها			
فردی	مدیریتی	فنی	کل
تربیت بدنی نسبت به دیگر رشته‌ها	روان‌شناسی نسبت به دیگر رشته‌ها	تربیت بدنی نسبت به دیگر رشته‌ها	تربیت بدنی نسبت به دیگر رشته‌ها
۰/۶۲	۰/۱۵	۰/۸۸	۰/۴۵
۰/۳۵	۰/۴۱	۰/۶۲	۰/۴۱
۰/۵۷	۰/۵۵	۱/۲۷	۰/۷۵
۰/۴۰	۰/۱۸	۰/۵۲	۰/۳۲

بحث و نتیجه‌گیری

ارزیابی دیدگاه دانشجویان در مورد نقش برنامه‌های درسی در پرورش قابلیت‌های فردی حاکی از آن است که برنامه‌ی درسی در پرورش قابلیت‌های فردی، یعنی "پرورش قدرت خلاقیت، نیاز به موفقیت، روحیه‌ی استقلال‌طلبی و انگیزه‌ی کارآفرینی"، در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار دارند؛ که در رشته‌های مختلف میانگین قابلیت‌های فردی به ترتیب از بالا به پایین شامل "تربیت بدنی، علوم اقتصادی، مدیریت، علوم سیاسی و روان‌شناسی" است. این نتیجه با نتایج پژوهش راجرز^۱ (۲۰۱۵) که نشان داد برنامه‌ی درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های فردی کارآفرینی مانند ریسک‌پذیری، خلاقیت و نوآوری به‌طور موفقیت‌آمیزی عمل نکرده است، همسوست و همچنین با نتایج پژوهش هایدل و همکاران^۲ (۲۰۱۶) نشان دهنده‌ی این امر است که طراحی برنامه‌های درسی در زمینه‌ی پرورش قابلیت‌های فردی کارآفرینی از جمله خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری و استقلال‌طلبی نقش مؤثری را ایفا نکرده است، همسوست و رحیم و همکاران^۳ (۲۰۱۶)، در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که برنامه‌های درسی در ارتباط با پرورش قابلیت‌های فردی کارآفرینی مانند خطرپذیری، استقلال‌طلبی و نیاز به موفقیت، به‌طوری مؤثری عمل نکردند، همسوست.

ارزیابی دیدگاه دانشجویان در مورد نقش برنامه‌های درسی در پرورش قابلیت‌های مدیریتی حاکی از آن است که برنامه‌های درسی در پرورش قابلیت‌های مدیریتی که شامل مواردی مانند "آینده‌نگری، انتخاب تصمیمات عقلانی و اهداف مناسب" بود، در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد؛ که در رشته‌های مختلف میانگین قابلیت‌های مدیریتی به‌ترتیب از بالا به پایین شامل "روان‌شناسی، تربیت بدنی، مدیریت، علوم اقتصادی و علوم سیاسی" است؛ این نتیجه با نتایج پژوهش اولگ بولا (۲۰۱۷) نشان دهنده‌ی این است که آموزش کارآفرینی با مهارت‌هایی مانند "مدیریت کسب‌وکار، هدف‌گذاری دقیق، شناسایی فرصت‌ها، دانش و بینش" برای عمل کردن در ارتباط است، همسوست. در پژوهشی ارتس^۴ و همکاران (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که در ارتباط با کارآفرینی و اشتغال‌پذیری در آموزش عالی باید تأکید بر قابلیت‌های مدیریتی مانند برنامه‌ریزی توسعه‌ی فردی، اهداف مناسب و تصمیم‌گیری باشد، همسوست. همچنین در پژوهشی کوشوا و مارو^۵ (۲۰۱۸) به این نتایج دست یافتند که در ارتباط با توسعه‌ی مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی مانند انتخاب تصمیمات عقلانی، اهداف مناسب و برنامه‌ریزی دقیق در آموزش و توسعه‌ی کارآفرینی می‌تواند نقش مهمی داشته باشد، همسوست.

1. Rogers
2. Hydle et al
3. Rahim et al
4. Artess at all
5. Kushwaha & Maru



ارزیابی دیدگاه دانشجویان در مورد نقش برنامه‌های درسی در پرورش قابلیت‌های فنی حاکی از آن است که برنامه‌های درسی در پرورش قابلیت‌های فنی که شامل موارد " راه‌اندازی فرایند کسب‌وکار، مهارت تأمین منابع مالی و توانایی کار با فناوری بود، در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار دارند؛ که در رشته‌های مختلف میانگین قابلیت‌های فنی کارآفرینی به ترتیب از بالا به پایین شامل " تربیت بدنی، مدیریت، علوم اقتصادی، روان‌شناسی و علوم سیاسی است. این نتیجه با نتایج پژوهش ولپ^۱ (۲۰۱۸) که دریافت برنامه درسی در پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی مانند حل مسئله، کار تیمی و مهارت‌های فناوری، به طوری موفقیت‌آمیز عمل نکرده است، همسوست. همچنین در تحقیقی دیگر هایتر و همکاران^۲ (۲۰۱۸) به این یافته‌ها رسیدند که در ارتباط با نقش برنامه درسی در پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی مانند تأمین منابع مالی و کار با فناوری، به نتایج مؤثری دست پیدا نکرده‌اند، همسوست. در نهایت، نتایج پژوهش‌های گالوائو و همکاران^۳ (۲۰۱۷) و آنتون و باستن^۴ (۲۰۱۷) نشان دهنده این امر است که برنامه‌های درسی در ارتباط با پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی چون " تأمین منابع مالی و فرایند کسب و کار به طور مؤثری نقش ایفا نکردند، همسوست.

در این پژوهش تلاش شد که به بررسی نقش برنامه‌های درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های عمومی کارآفرینی پرداخته شود. با توجه به اینکه برنامه درسی به عنوان عنصر مهم در نظام آموزش عالی می‌تواند نقش مؤثری بر کارآفرینی داشته باشد. در این پژوهش محقق به بررسی نقش برنامه درسی رشته‌های روان‌شناسی، مدیریت، تربیت بدنی، علوم سیاسی و علوم اقتصادی پرداخت. ارزیابی دیدگاه دانشجویان در ارتباط با نقش برنامه درسی در پرورش قابلیت‌های فردی در سطح پایینی قرار داشت.

بنابراین با توجه به موارد ذکر شده فوق نتیجه می‌گیریم که برنامه درسی در زمینه پرورش قابلیت‌های فردی کارآفرینی به دلایلی چون تأکید برنامه‌های درسی بر روی محتوا و نادیده گرفتن استعدادها، ویژگی‌های فردی و ذاتی دانشجویان، تأکید استادان بر روی روش‌های تدریس غیرفعال و منفعل بودن نقش فراگیر در کلاس درس با توجه به معیارهایی که برای جنبه فردی بودن مهارت‌ها در نظر گرفته شده، در سطح پایینی عمل کرده است. همچنین برنامه‌های درسی در زمینه پرورش قابلیت‌های مدیریتی کارآفرینی به دلایلی چون نقش فعال استادان در ارائه این مهارت‌ها، ارائه محتوای مناسب در زمینه مدیریت و فعال بودن دانشجویان در محیط یادگیری با

-
1. Volpe
 2. Hayter et al
 3. Galvão
 4. Anton and Basten

توجه به معیارهایی که برای جنبه مدیریتی بودن مهارت‌ها در نظر گرفته شده، در سطح بالایی عمل کرده است. در نهایت ارزیابی دیدگاه دانشجویان در ارتباط با نقش برنامه‌های درسی در پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی به دلیل تأکید بسیار بر روی مباحث تئوری، غیرفعال بودن نقش فراگیر در محیط یادگیری با توجه به معیارهایی که برای جنبه فنی بودن مهارت‌ها در نظر گرفته شده، در سطح پایینی عمل کرده است؛ بنابراین در این راستا پیشنهاد می‌شود که نظام آموزش عالی کشور در راستای پرورش مهارت‌های فردی کارآفرینی در رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری از طریق آموزش‌های مرتبط با این حوزه‌ها در سیستم آموزشی دانشگاه‌ها گام‌های مؤثری بردارد. همچنین برنامه درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری افزون بر ایجاد دانش تخصصی، مهارت‌های فردی کارآفرینی مانند "استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و خلاقیت" را در دانشجویان تقویت کند؛ و با توجه به اینکه نقش برنامه درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی مانند "راه‌اندازی فرایند کسب‌وکار" به‌طور مطلوبی عمل نکرده، استادان در هنگام اجرای برنامه درسی دانشجویان را با مهارت فنی کارآفرینی آشنا سازند. با تأکید بر نقش نامطلوب برنامه درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش قابلیت‌های فنی کارآفرینی، پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها به برگزاری کارگاه‌های آموزشی در حوزه مهارت‌های فنی مانند "نوشتن طرح کسب‌وکار و فرایند راه‌اندازی کسب‌وکار" اقدام نمایند. بنابراین با توجه به نقش ضعیف برنامه درسی رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در پرورش مهارت‌های فنی کارآفرینی نیاز به بازبینی سرفصل دروس در این حوزه، یک ضرورت محسوب می‌شود. متخصصانی که به تألیف کتب تخصصی در حوزه‌های علوم اجتماعی و رفتاری می‌پردازند، باید به تدوین محتوایی در ارتباط با قابلیت‌های عمومی کارآفرینی که شامل سه مؤلفه "مهارت‌های فردی، مدیریتی و فنی" است توجه لازم را داشته باشند؛ و در پایان، استادان باید در هنگام اجرای برنامه درسی، دانشجویان را با قابلیت‌های عمومی کارآفرینی که شامل سه مؤلفه "مهارت‌های فردی، مدیریتی و فنی" است، آشنا سازند و آنها را به کارآفرینی در حوزه تخصصی خود تشویق نمایند.

فهرست منابع

- Agha Mohammadi, J; Abdollahi, H (1394). Analyzing the role of education in the development and promotion of entrepreneurship. *Approach*, 59. (Text in Persian)
- Anton, S. G., & Bostan, I. (2017). The role of access to finance in explaining cross-national variation in entrepreneurial activity: A panel data approach. *Sustainability*, 9(11), 1947.
- Artes, J., Hooley, T., & Mellors-Bourne, R. (2017). Employability: A Review of the Literature 2012 to 2016. A Report for the Higher Education Academy. *Higher Education Academy*.



- Bilić, I., Škokić, V., & Lovrinčević, M. (2021). Academic entrepreneurship in post-transition country—case study of Croatia. *Journal of the Knowledge Economy*, 12(1), 41-55.
- Bodnar, C. A., Clark, R. M., & Besterfield-Sacre, M. (2015). Lessons learned through sequential offerings of an innovation and entrepreneurship boot camp for sophomore engineering students. *The Journal of Engineering Entrepreneurship*, 6(1), 52-67.
- Crecente-Romero, F., Giménez-Baldazo, M., & Rivera-Galicia, L. F. (2018). Can entrepreneurship channel overqualification in young university graduates in the European Union? *Journal of Business Research*, 89, 223-228.
- Cunningham, J. A., Menter, M., & Wirsching, K. (2019). Entrepreneurial ecosystem governance: A principal investigator-centered governance framework. *Small Business Economics*, 52(2), 545-562.
- Della Volpe, M. (2018). Entrepreneurial university and business education: Towards a network model. *International Journal of Business and Management*, 13(3), 13-27.
- Din, B. H., Anuar, A. R., & Usman, M. (2016). The effectiveness of the entrepreneurship education program in upgrading entrepreneurial skills among public university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 224, 117-123.
- Fichter, K., & Tiemann, I. (2018). Factors influencing university support for sustainable entrepreneurship: Insights from explorative case studies. *Journal of Cleaner Production*, 175, 512-524.
- Fuentelsaz, L., González, C., & Maicas, J. P. (2019). Formal institutions and opportunity entrepreneurship. The contingent role of informal institutions. *BRQ Business Research Quarterly*, 22(1), 5-24.
- Galvão, A., Mascarenhas, C., Rodrigues, R. G., Marques, C. S., & Leal, C. T. (2017). A quadruple helix model of entrepreneurship, innovation and stages of economic development. *Review of International Business and Strategy*.
- Goodarzi, R; Hosseini, S.R; Tabaian, S.K (1397). A framework for the development of university entrepreneurship in the humanities in Iran. *Entrepreneurship Development Quarterly*, 11 (4), 661-679. (Text in Persian)
- Hydle, K. M., Aas, T. H., & Breunig, K. J. (2016). Towards a framework for New Service Development Practices. *Journal of Innovation Management*, 4(4), 55-67.
- Hysterich, Robert D., Peters and Michael P. (2011). *Entrepreneurship*, translated by Seyed Alireza Fayyazbakhsh and Hamid Reza Taghi Yari. Tehran: Scientific Publications of Sharif University of Technology. (Text in Persian)
- Jamali Zavareh, B; Nili, M.R; Shadfar, H (2015). Explain the elements of entrepreneurship curriculum in technical and vocational education. *Skills Training*, 3 (12), 0-0. (Text in Persian)
- Kushwaha, B. P., & Maru, F. Y. (2015). The attitude of management students towards entrepreneur and entrepreneurship. *International Journal of Research in Management and Technology (IJRMT)*, 5(4), 2249-9563.
- Lahikainen, K., Kolhinen, J., Ruskovaara, E., & Pihkala, T. (2019). Challenges to the development of an entrepreneurial university ecosystem: The case of a Finnish university campus. *Industry and Higher Education*, 33(2), 96-107.

- Landström, H., & Harirchi, G. (2018). The social structure of entrepreneurship as a scientific field. *Research Policy*, 47(3), 650-662.
- Mohseni, H. (2018). Identifying effective factors to transform universities into entrepreneurial universities. *Cultural-Social Strategy Quarterly*, 7 (29), 187-207 (Text in Persian)
- Mousavi, S. H. Salehi I. Ibrahim, F. Maghsoud T. J. (2017). Presenting the development model of entrepreneurial university in Iran. *Iranian Journal of Engineering Education*, 19 (76), 1-27. (Text in Persian)
- Naderi, N. Seifi R. B. (2018). Entrepreneurial University and its role in promoting and realizing a resistance economy in the face of sanctions. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 5 (3), 19-30. (Text in Persian)
- Rezaei, B. Pajouhan, A. (2019). Opportunities and obstacles facing Razi University to become an entrepreneurial university. *Science and Technology Policy*, 11 (1), 30-52. (Text in Persian)
- Rogers, K. (2015). Humanities Unbound: Supporting Careers and Scholarship beyond the Tenure Track. *Digital Humanities Quarterly*, 9(1): 1–17.
- Zia, B. Rezvani, M. Mubaraki, M. H. Tajpour, M. (2018). University Internationalization Model with Entrepreneurship Approach (Case Study: Top Iranian Universities). *Entrepreneurship Development*, 12 (2), 301-320. (Text in Persian)



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 (International CC BY-NC-ND 4.0

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).